

ارزیابی تطبیقی موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل)

امیرمظفر امینی^۱، نادر مزینی^۲، سیدعلیرضا قدیمی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۹

چکیده

تحقیق کمی حاضر با هدف ارزیابی تطبیقی موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق بهره‌برداران بخش کشاورزی شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل بودند (N=۲۷۰۰) که تعداد ۴۸۶ نمونه به صورت طبقه‌ای تناسبی از بین ۵ نوع نظام بهره‌برداری و سه منطقه جغرافیایی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق‌ساز بود که روایی آن از طریق پانل متخصصان و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها و اطلاعات به دست آمده از طریق مطالعات میدانی و تکمیل پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 و بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی، آزمون ANOVA و دانکن تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که تعاونی‌های تولید روستایی از نظر تمام شاخص‌های مورد ارزیابی (اجتماعی، فنی، اقتصادی و مدیریتی) با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی دارای تفاوت معنی‌داری است به گونه‌ای که از نظر شاخص اجتماعی و فنی در رتبه اول و از لحاظ شاخص اقتصادی و مدیریتی پس از نظام تجاری در رتبه دوم قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، تعاونی تولید، ارزیابی تطبیقی

۱. دانشیار گروه توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۳. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه

بخش کشاورزی هر جامعه‌ای مبتنی بر نظام‌های بهره‌برداری تشکیل دهنده آن جامعه است. نظام‌های بهره‌برداری مانند هر جزء دیگری از سیستم اجتماعی، تابعی از تغییر و تحولات کل سیستم اجتماعی می‌باشند. به عبارت دیگر، پیدایش، استحکام و اضمحلال نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در چارچوب کلی روند توسعه هر جامعه‌ای رخ می‌دهد (لهسایی زاده، ۱۳۷۲ الف). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، که به نوعی بخشی از الگوهای توسعه روستایی را تشکیل می‌دهند با گذشت نزدیک به ۴۰ سال از شکل‌گیری شان، موجب تغییر و تحولاتی در جامعه روستایی کشور بوده‌اند. عبداللهی (۱۳۷۷) طبقه‌بندی خاصی از نظام‌های بهره‌برداری موجود در ایران را مطرح کرده است که شامل نظام‌های دهقانی (خرد)، نظام‌های تعاونی، نظام‌های تجاری و شخصی می‌باشد.

پس از اصلاحات ارضی، تفکیک و خردشدن اراضی کشاورزی در سطح کشور عملاً استفاده از امکان تکنولوژی جدید و مکانیزه را محدود کرد. این مشکل باعث شد تا شرکت‌های سهامی زارعی به عنوان یکی از راه‌حل‌های رفع مشکلات یاد شده مورد توجه قرار گیرند. کشاورزان صاحب نسق در این‌گونه نظام‌های بهره‌برداری، با واگذاری حق استفاده دائم و مطلق از اراضی تحت تصرف و مالکیت خود به شرکت، تمامی حقوق مربوط به مدیریت را از حالت فردی به صورت جمعی درآوردند. این شرکت‌ها که تا سال ۱۳۵۷ در قالب یک نظام بهره‌برداری با مدیریت گروهی فعالیت می‌کردند، الگویی جهت توسعه روستایی تلقی می‌شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد ۸۸ شرکت از مجموع ۹۳ شرکت تشکیل شده، منحل گردیدند و سهام‌داران آن‌ها مطابق با نسق‌های قبل از تشکیل شرکت‌ها، به صورت انفرادی به امر کشت و کار پرداختند. از آنجا که محتوای این شرکت‌ها و نحوه تشکیل آن‌ها با اجبار و ستم همراه بود، دهقانان را از زمین و جامعه روستایی جدا و بیگانه ساخت و آزادی فعالیت کشاورزی را از آن‌ها صلب کرد. از نظر روان‌شناسی اجتماعی، یک احساس ترس، وحشت و گسیختگی اجتماعی بر دهقانان نسق دار حاکم بود. سلب مالکیت از دهقانان، رفتار خشن و بوروکراتیک با آنان و سرانجام فقدان سودآوری

شرکت‌ها سبب گردید تا نارضایتی روستاییان تشدید گردد. لذا جهت استفاده بهینه از منابع تولید و تکنولوژی جدید برای افزایش تولید کشاورزی و از طرف دیگر امکان اعمال مدیریت کارآمد و بهینه در فعالیتهای کشاورزی و خروج از اقتصاد معیشتی و برخورداری روستاییان از درآمدهای مناسب، در سال ۱۳۴۹ قانون تشکیل تعاونی‌های تولید به تصویب رسید (کلانتری، ۱۳۸۹). بعد از انقلاب، واگذاری اراضی به صورت تعاونی مشاع مطرح گردید. براین اساس، گروه‌های اکثراً ده نفره برای به دست آوردن زمین باید تشکیل می‌شدند. زمین‌ها قابل واگذاری و فروش نبوده و نمی‌بایست بدون استفاده بماند و افراد باید به صورت مشاع شخصاً روی زمین کار می‌کردند. در تعاونی مشاع، زمین، آب و وسایل اساسی کشاورزی متعلق به همه اعضاست اما مشاع‌گران می‌توانند به طور انفرادی صاحب ابزار جزئی تولید باشند (لهسایی زاده، ۱۳۷۲ ب). به نظر می‌رسد که در حال حاضر نظام‌های تعاونی مشاع از اهداف و وظایف اولیه خود فاصله زیادی گرفته‌اند و عملاً تفاوت محسوسی بین اعضای تعاونی‌های مشاع و بهره‌برداران نظام‌های دهقانی مشاهده نمی‌شود. همچنین مروری بر سیر تاریخی مقوله تعاون و تعاونی در کشورمان نشان می‌دهد که جامعه ایرانی از دیرباز بر اساس همکاری و تعاون بنیان‌گذاری شده است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد ایرانیان نخستین ملتی بوده‌اند که به نظام تعاونی توجه کرده‌اند. به نظر می‌رسد که اشکال سنتی تعاونی یا شیوه‌های همیاری و اقدام مشترک جمعی در جوامع روستایی ایران، که به منظور کاستن از مشکلات زندگی به وجود می‌آمد، سبب تسهیل روند کار گروهی، تقویت روحیه تعاون و همبستگی و کاهش ریسک در تولیدات کشاورزی شده است. این همکاری‌های سنتی از زمان‌های دور تا کنون نشان دهنده نوعی تحول و دگرگونی در شکل، محتوی و سازمان آن‌هاست. در واقع اساس شکل‌گیری شرکت‌های تعاونی‌های تولید کشاورزی، همکاری‌های سنتی در بخش کشاورزی بوده است. تعاونی تولید کشاورزی نوعی نظام بهره‌برداری مبتنی بر تعاون است که در آن بهره‌برداران با کشت یکپارچه و باحفظ مالکیت فردی به تولید و زراعت جمعی می‌پردازند (ازکیا، ۱۳۸۲). این نظام در اوایل دهه ۱۳۵۰ بعد از اصلاحات ارضی در ایران با هدف افزایش تولید، یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، انجام خدمات زیربنایی و استفاده بهینه از

نهاده‌های در دسترس شکل گرفت. در این تعاونی‌ها، استقلال و انگیزه‌های فردی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل با وجود یکپارچه‌سازی کشت و بهره‌مندی اعضا از خدمات شرکت تعاونی، امکان فعالیت هر عضو روی قطعه زمین خود فراهم شده است. با توجه به اینکه نیرو و توان پراکنده افراد در قالب این شرکت‌ها سازمان می‌یابد، حس اعتماد به نفس و اعتماد متقابل بین اعضا خلأ ناشی از حذف مدیریت سنتی در روستا را پر می‌کند.

تعاونی‌های تولیدی بیش از ۴۵ درصد ظرفیت تعاونی‌های کشور را دارند. تا پایان سال ۱۳۸۵، در سراسر کشور تعداد ۲۹۳۷ شرکت تعاونی روستایی با ۴۵۷۰۳۸۴ نفر عضو و سرمایه‌ای بالغ بر ۵۴۴۴۸۸ میلیون ریال و تعداد ۲۰۰۸ شرکت تعاونی کشاورزی با بیش از ۱۰۱۰۵۵۱ نفر عضو و بیش از ۴۰۴۳۶۶ میلیون ریال گزارش شده است (بذرافشان و شاهین، ۱۳۸۹). تعاونی‌های تولیدی دارای ویژگی‌های ارزنده‌ای به دلیل تنوع گرایش‌ها و زمینه‌های فعالیت به نسبت سایر تعاونی‌ها می‌باشند که علاوه بر تأمین مایحتاج بخش‌های مختلف تولیدی نقش ویژه‌ای در ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی، رشد اقتصادی، تنظیم بازار و مایحتاج مردم، صادرات و غیره دارند. با وجود مشکلاتی که تعاونی‌های تولید با آن مواجه بودند، برخی مطالعات انجام گرفته در این زمینه حاکی است که این شرکت‌ها در مقایسه با شرکت‌های سهامی زراعی از توفیق نسبی برخوردار بوده‌اند. به همین دلیل، در دوران پس از انقلاب، علی‌رغم انحلال تعدادی از این شرکت‌ها، تشکیل تعاونی‌های تولید روستایی مجدداً مورد توجه قرار گرفت (کلانتری، ۱۳۸۹). لذا این مطالعه به دنبال ارزیابی تطبیقی موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در شهرستان‌های و کاشان، آران و بیدگل می‌باشد که تمام نظام‌های بهره‌برداری موجود در این دو شهرستان قابل شناسایی و فعال بود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تعاونی‌های تولید روستایی را باید پیشگامان خصوصی‌سازی، تولیدکننده محصولات جدید و برپاکننده بازارهای تازه دانست (World Bank, 1995). رسالت مهم شرکت‌های تعاونی

تولیدروستایی، ارتقای سطح دانش روستاییان و بهبود بهره‌وری منابع روستایی، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها و برقراری توسعه مناطق روستایی می‌باشد به طوری که نقش تعاونی‌های تولید در شکل‌گیری توسعه روستایی مهم دانسته شده است. هر برنامه توسعه روستایی باید از دو بعد مورد توجه قرار گیرد: نخست از لحاظ آثار آن بر تولید و دوم از نظر توزیع منافع آن در جامعه روستایی (کرمی و رضایی مقدم، ۱۳۸۴). بنابراین، تعاونی‌ها ابزاری مناسب برای همکاری مردم به شمار می‌روند و در رسیدن به توسعه پایدار نقشی مهم ایفا می‌کنند به گونه‌ای که با هم‌فکری مردم می‌کوشند توانایی‌های آن‌ها را در راستای توسعه مناطق روستایی هدایت کنند (ظاهر خانی، ۱۳۸۳). تعاونی‌های تولید روستایی همچنین زمینه‌های مشارکت گسترده روستاییان را در فرایند توسعه روستاها فراهم و مسائل و مشکلات حرفه‌ای کشاورزان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را از طریق همیاری و اشتراک مساعی حل می‌کنند (صدیقی و درویشی نیا، ۱۳۸۱). بویان (Bhuyan, 2007) نیز بر نقش تعاونی‌های روستایی در بسیج کردن کشاورزان و اعتباربخشی به کشاورزان تأکید کرده است.

ژیائو (Xiao, 2000) مزایای این تعاونی‌ها را تشویق فعالیت‌های اقتصادی بازار محور، توسعه جوامع روستایی، حفظ درآمد روستاییان و افزایش بهره‌مندی اعضا دانسته است. تعاونی‌های تولید روستایی با توجه به شکل جدید سازماندهی تولید می‌توانند استفاده مؤثرتر از نهاده‌های تولید را میسر کنند (Arnott and Stiglitz, 1998). موندانی (Monday, 2006) استفاده بهینه از ماشین‌آلات و یکپارچه‌سازی اراضی را از فواید شرکت‌های تعاونی تولید روستایی می‌داند. کاشی (۱۳۷۸) نقش تعاونی‌های تولید کشاورزی را در افزایش درآمد روستاییان و تأمین نیازهای فنی و مالی آن‌ها درخوراهمیت می‌داند.

فعالیت‌های زراعی کشاورزان در قالب تعاونی‌ها موجب دسترسی بیشتر اعضا به ماشین‌های کشاورزی و این امر سبب بهبود عملکرد زراعی نیز شده است (صدیقی و درویشی نیا، ۱۳۸۱). به نظر می‌رسد که افزایش سطح آگاهی فنی و تخصصی، افزایش دسترسی به نهاده‌ها،

تسهیل ارتباط روستاییان با مراکز دولتی و توسعه مکانیزاسیون از مهم‌ترین نتایج مثبت تعاونی‌های تولیدند (سعدی، ۱۳۸۶).

مطالعات گذشته نشان می‌دهند که تعاونی‌های تولید روستایی در کاهش میزان مهاجرت، افزایش مشارکت در امور تولیدی و اجتماعی، جذب نیروی کار خارج از خانوار و تغییر (نگرش از نگاه سنتی به کشاورزی به نگاه تجاری) در بین اعضا و افزایش خودآگاهی اجتماعی نقش مؤثری داشته‌اند (باصری و همکاران، ۱۳۸۹). این تعاونی‌ها همچنین بر بهبود شاخص‌های توسعه، بهبود الگوی مصرف، افزایش درآمد، جلوگیری از مهاجرت به شهرها، و توانمندسازی معیشت، بهره‌برداری از تسهیلات و اعتبارات برای بهبود کیفیت زندگی و تعامل و اعتمادسازی میان اعضا تأثیر دارند (نصیری، ۱۳۸۹). رویس (Royce, 2004) بر این عقیده است که عضویت در تعاونی‌های تولید باعث افزایش تولید و درآمد اعضا و این امر زمینه‌ساز افزایش مشارکت آنان شده است. بیشتر کشاورزان نیز اذعان کرده‌اند که تعاونی تولید آن‌ها را قادر به دسترسی بیشتر و استفاده بهینه از منابع مزرعه کرده است (Sadighi and Darvishinia, 2005). با این حال، تحقیقات دیگری هم بر ضعف عملکردی این تعاونی‌ها دلالت دارند. به علت ناآشنا بودن کشاورزان و عدم درک صحیح آن‌ها از تعاونی تولید و همچنین شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌هایی مانند وابستگی تعاونی‌ها به ارائه خدمات، ضعف آموزش اعضای تعاونی، محدودیت سرمایه، پراکندگی دهات و کاهش جمعیت، گرایش تعاونی‌ها به دولت، اعتماد محدود یا عدم اعتماد اعضا به تعاونی، عدم همکاری و قبول مسئولیت اعضا، بی‌توجهی به بازاریابی محصولات کشاورزی و نبود قوانین مشخص در مورد تعاونی‌ها، این تعاونی‌ها را تهدید می‌کند (بذرافشان و شاهین، ۱۳۸۹). کرمی و رضایی مقدم (۱۳۸۴) با ارزیابی عملکرد تعاونی‌های تولید به این نتیجه رسیدند که عملکرد این تعاونی‌ها در رفع نیازهای کشاورزان در مجموع ضعیف بوده و شاخص کلی عملکرد نیز که حاصل جمع عملکرد تعاونی‌های تولید کشاورزی در مراحل پیش از کاشت، داشت، برداشت، پس از برداشت و انجام خدمات ترویجی است، بر این امر تأکید دارد. همچنین آقاجانی و رزانه (۱۳۸۰) با ارزیابی فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی تولیدی چنین نتیجه گرفته است که این تشکیلات در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی و افزایش کارایی عوامل تولید موفق نبوده‌اند اما در زمینه

بهبود روش بهره‌برداری در جهت اقتصادی کردن فعالیت‌ها موفق بوده‌اند. روحانی (۱۳۷۸) نیز نشان داد که تعاونی‌های تولید روستایی در امر یکپارچه‌سازی زمین‌های خرد و پراکنده و تغییر نظام بهره‌برداری از خرده مالکی به نظام اشتراکی و انجام فعالیت‌های گروهی ناموفق بوده ولی در توسعه مکانیزاسیون، بهبود روش آبیاری، افزایش بهره‌وری عوامل تولید و رواج بذر اصلاح شده و بهبود روش بهره‌برداری به موفقیت‌های نسبی دست یافته‌اند. نجفی (۱۳۸۴) دریافت که اعضای تعاونی در مورد فروش محصول در بازار با مشکلات زیادی مانند قیمت پایین و نبود ثبات قیمت‌ها، بالا بودن هزینه حمل و نقل، عدم اطلاع کشاورز از وضعیت بازار، افت بیش از اندازه و عدم دریافت بموقع بهای محصول روبه رو هستند.

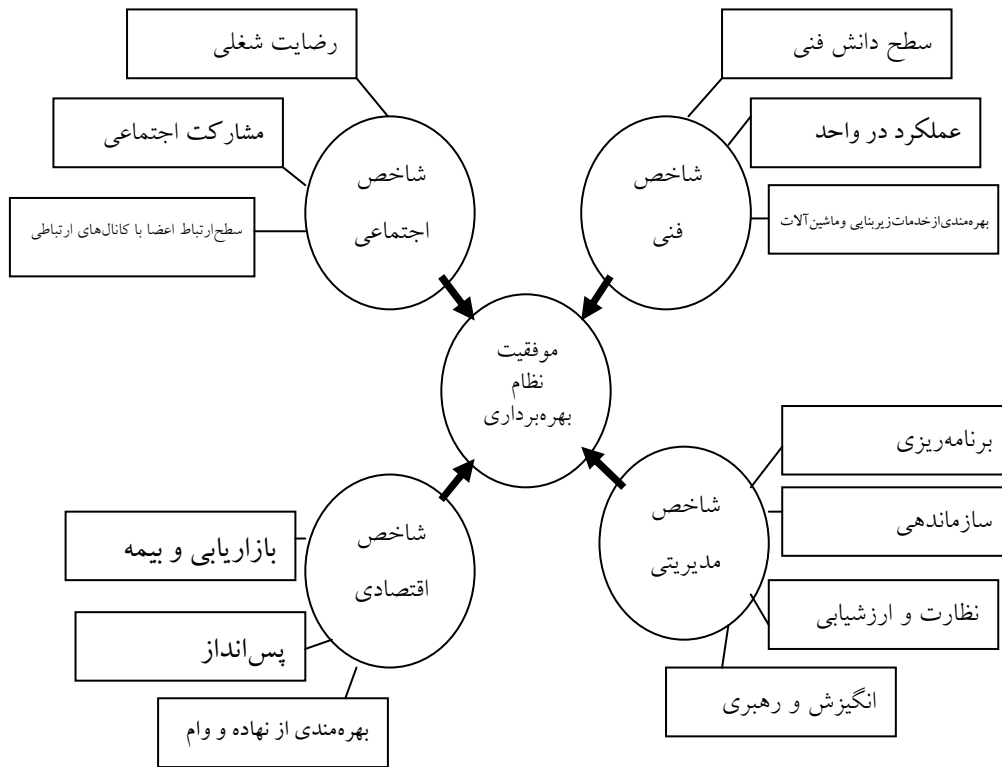
هانستاد و ماجومدر (Hnestad & Majumder, 2002) معتقدند که تعاونی‌های تولید کشاورزی ثابت کرده‌اند که نسبت به مزارع خانوادگی کم بازده‌ترند. اما بر اساس مطالعات وزارت کشاورزی سابق در زمینه میزان موفقیت تعاونی‌های تولید، وضعیت این نظام در مقایسه با شرکت‌های سهامی زراعی نسبتاً مطلوب‌تر ارزیابی شده است (وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷). در کل، تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که در نظام تعاونی تولید بیشترین ارتباط و تعامل بین شاخص‌های توسعه روستایی و شاخص‌های نظام‌های کشاورزی وجود داشته است به گونه‌ای که در اکثر شاخص‌ها بین دو مؤلفه ارتباط معنی داری مشاهده شده است. نظام بهره‌برداری خانوادگی (دهقانی) به لحاظ تعامل با توسعه روستایی، پس از نظام تعاونی تولید قرار گرفته و در نظام تعاونی مشاع، ارتباط بین شاخص‌های نظام کشاورزی و توسعه روستایی در رتبه آخر جای گرفته است. همچنین نشان داده شده که میزان پایداری نظام بهره‌برداری تعاونی در ابعاد سه گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نسبت به نظام بهره‌برداری خانوادگی از وضعیت بهتری برخوردار بوده است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۹).

مطالعات مختلف نشان می‌دهند که در حال حاضر نیز نظام تعاون در کشاورزی از برجسته‌ترین نظام‌های بهره‌برداری است که این موضوع با مطالعات جهانی در خصوص نظام‌های بهره‌برداری تطابق دارد (عبدلهی، ۱۳۷۷). بهره‌وری سرمایه در شرکت‌های تعاونی به مراتب بیش از

بخش خدمات و خصوصی برآورد شد (معاونت تحقیقات، آموزش، و ترویج وزارت تعاون، ۱۳۷۹). همچنین مؤلفه‌های مشارکت، همیاری، تمایل به کار گروهی، نوگرایی و بهره‌وری در بهره‌برداران تعاونی به طور معناداری بالاتر از بهره‌برداران در واحدهای خرد و دهقانی به دست آمد (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۷). محمدی و بریم نژاد (۱۳۸۴) نشان دادند که اعضای تعاونی دارای متوسط کارایی فنی بالاتری نسبت به افراد غیرعضووند. صدیقی و درویشی نیا (۱۳۸۱) نمایان ساختند که رضایتمندی اعضا و میزان مشارکت آنان در امور تعاونی با میزان موفقیت تعاونی‌ها رابطه مثبت و معنی‌دار دارد که ۴۲/۹ درصد از اعضا میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی را «خوب» و «عالی» و ۴۰/۹ درصد از آن‌ها میزان موفقیت را در حد «متوسط» ارزیابی کردند.

با توجه به این ادعا که تعاونی‌های تولید روستایی از جمله کارآمدترین و مؤثرترین نظام‌های بخش کشاورزی‌اند که تعداد قابل توجهی از بهره‌برداران در نقاط مختلف کشور درگیر مسائل آن هستند (سعدی، ۱۳۸۶)، لذا این مطالعه با هدف ارزیابی تطبیقی موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل انجام شد تا نتایج آن مورد استفاده مسئولان نظام تعاون به منظور راه‌اندازی و حمایت بیشتر از این نظام‌ها و کاستن از مشکلات آنان در راستای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی قرار گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، به طور کلی، چهار شاخص اجتماعی، اقتصادی، فنی و مدیریتی تعیین‌کننده موفقیت یک نظام بهره‌برداری‌اند. شاخص اجتماعی شامل سه عامل فرعی رضایت شغلی، مشارکت اجتماعی و سطح ارتباط اعضا با کانال‌های ارتباطی؛ شاخص اقتصادی شامل سه عامل فرعی پس‌انداز، بهره‌مندی از نهاده و وام، بازاریابی و بیمه؛ شاخص فنی شامل سه عامل فرعی سطح دانش فنی، عملکرد در واحد سطح و بهره‌مندی از خدمات زیربنایی و ماشین‌آلات؛ شاخص مدیریتی شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و ارزشیابی، انگیزش و رهبری می‌باشد (شکل ۱).



شکل ۱. شاخص‌های ارزیابی موفقیت نظام بهره‌برداری

روش‌شناسی

تحقیق کمی حاضر با هدف ارزیابی تطبیقی موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق بهره‌برداران بخش کشاورزی شهرستان کاشان و آران و بیدگل بودند ($N=2700$) که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۴۸۶ نمونه به صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب از بین ۵ نوع نظام بهره‌برداری و سه منطقه جغرافیایی انتخاب شدند (جدول ۱). در هر دو شهرستان هر ۵ نوع نظام بهره‌برداری موجود و تعداد بهره‌برداران دهقانی (خرد) بیشتر بوده (کاشان ۱۷۶۰۰ بهره‌بردار و آران بیدگل ۴۲۳۸

بهره‌بردار) و تعاونی‌های تولید و تعاونی مشاع در رتبه دوم و سوم از لحاظ تعداد بهره‌بردار قرار دارند.

جدول ۱. تعداد پاسخ‌گویان به تفکیک نوع نظام بهره‌برداری

ردیف	نوع نظام بهره‌برداری	تعداد(نفر)	درصد فراوانی	درصد تجمعی
۱	تعاونی تولید	۱۱۵	۲۳/۷	۲۳/۷
۲	تعاونی مشاع	۹۰	۱۸/۵	۴۲/۲
۳	مزارع شخصی و تجاری	۶۱	۱۲/۶	۵۴/۷
۴	نظام دهقانی خرد	۱۲۵	۲۵/۷	۸۰/۵
۵	دهقانی غیر عضو برخوردار از خدمات تعاونی تولید	۹۵	۱۹/۵	۱۰۰
	جمع	۴۸۶	۱۰۰	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساز بود که در پنج قسمت شامل ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای بهره‌برداران و ارزیابی عملکرد نظام‌های بهره‌برداری در شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فنی و مدیریتی براساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای تدوین شد. این شاخص‌ها از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران نظام‌های بهره‌برداری، کارشناسان جهاد کشاورزی و استفاده از نظر استادان دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان و همچنین با بهره‌گیری از مطالعات گذشته به دست آمدند. نهایتاً گویه‌ها براساس این شاخص‌ها تعیین شدند. روایی پرسش‌نامه از طریق پانل متخصصان و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۲). آزمون پیشاهنگ در دو شهرستان مورد بررسی و با استفاده از ۳۰ نفر از افراد عضو جامعه مورد نظر اما خارج از نمونه‌ها انجام شد.

جدول ۲. ضرایب آلفای کرونباخ به تفکیک بخش‌های مختلف

مقدار ضریب	شاخص‌های پژوهش
۰/۹۲۲	اجتماعی
۰/۷۳۳	اقتصادی
۰/۷۷۵	فنی
۰/۷۴۷	مدیریتی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اطلاعات به دست آمده از طریق مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار spss16 و بهره‌گیری از آماره‌های توصیفی و آزمون ANOVA و دانکن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت استفاده از آزمون‌های پارامتری ذکر شده از تکنیک وزندهی گویه‌ها استفاده گردید و تمامی عوامل و شاخص‌ها وزن‌دار شده و از حالت رتبه‌ای به حالت پیوسته تغییر یافتند (صفری شالی و حبیب پور، ۱۳۹۰) (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج محاسبه وزن گویه‌های شاخص‌های فنی، اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی به روش

تحلیل عاملی

ردیف	گویه‌ها	وزن گویه	شاخص
۱	سطح دانش فنی کشاورزی	۰/۶۴۲	فنی
۲	عملکرد گندم	۰/۵۸۶	فنی
۳	عملکرد جو	۰/۵۸۸	فنی
۴	عملکرد ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی مورد نیاز	۰/۶۴۰	فنی
۵	عملکرد ایجاد و نگهداری شبکه‌های آبرسانی مزرعه	۰/۷۳۸	فنی
۶	عملکرد ایجاد جاده دسترسی در داخل مزرعه	۰/۶۶۸	فنی
۷	عملکرد یکپارچه‌سازی اراضی	۰/۶۶۰	فنی
۸	عملکرد کنترل سیلاب، مهار رواناب و ذخیره نزولات	۰/۵۵۲	فنی
۹	عملکرد میزان پس‌انداز	۰/۳۹۲	اقتصادی
۱۰	عملکرد تسهیل روند فروش گندم مازاد بر نیاز به سیلو	۰/۶۱۹	اقتصادی
۱۱	عملکرد پیگیری وصول مطالبات کشاورزان در خصوص گندم تحویلی به سیلو	۰/۶۳۶	اقتصادی
۱۲	عملکرد آسان‌تر کردن روند بازاریابی و فروش سایر محصولات کشاورزی	۰/۵۴۱	اقتصادی
۱۳	عملکرد بیمه محصولات کشاورزی	۰/۶۱۷	اقتصادی
۱۴	عملکرد پیگیری وصول خسارات کشاورزان در خصوص محصولات بیمه شده	۰/۵۴۴	اقتصادی
۱۵	عملکرد تأمین وام‌های کم‌بهره	۰/۴۹۵	اقتصادی
۱۶	عملکرد تأمین و توزیع کود شیمیایی	۰/۴۵۶	اقتصادی
۱۷	عملکرد تأمین و توزیع سم	۰/۴۶۷	اقتصادی
۱۸	عملکرد تأمین و توزیع بذر اصلاح شده	۰/۵۸۴	اقتصادی
۱۹	عملکرد آموزش کشاورزی	۰/۴۲۳	اقتصادی
۲۰	اهمیتی که به برنامه‌ریزی داده می‌شود	۰/۷۶۷	مدیریتی
۲۱	اهمیتی که به سازماندهی داده می‌شود	۰/۷۴۳	مدیریتی
۲۲	اهمیتی که به نظارت و ارزشیابی داده می‌شود	۰/۷۶۵	مدیریتی
۲۳	اهمیتی که به انگیزش داده می‌شود	۰/۷۴۶	مدیریتی

ادامه جدول ۳

اجتماعی	۰/۴۳۳	علاقه به شغل کشاورزی	۲۴
اجتماعی	۰/۵۸۸	تمایل به حفظ شغل	۲۵
اجتماعی	۰/۶۴۹	علاقه به کار با همکاران	۲۶
اجتماعی	۰/۷۲۹	رضایت از عضویت در تعاونی	۲۷
اجتماعی	۰/۷۲۹	رضایت از سود سهام	۲۸
اجتماعی	۰/۶۵۷	رضایت از درآمد شغل	۲۹
اجتماعی	۰/۴۹۵	رضایت از مسئول (در دسترس بودن)	۳۰
اجتماعی	۰/۴۶۴	رضایت از مسئول (پاسخگو بودن، برخورد مناسب و عدالت)	۳۱
اجتماعی	۰/۴۱۶	رضایت از مسئول (توانایی فنی کشاورزی)	۳۲
اجتماعی	۰/۴۱۹	رضایت از مسئول (شناخت منطقه یا محیط کار)	۳۳
اجتماعی	۰/۳۶۱	پیشرفت گروه هم‌چاهی	۳۴
اجتماعی	۰/۶۳۸	پیشرفت در زمینه یکپارچه‌سازی اراضی	۳۵
اجتماعی	۰/۳۲۰	آشنایی اعضا با اصول و شیوه‌های جدید کاشت، داشت و برداشت	۳۶
اجتماعی	۰/۵۲۶	استفاده بهینه از ماشین‌آلات و افزایش مکانیزاسیون	۳۷
اجتماعی	۰/۶۵۷	افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های تولید اعضا	۳۸
اجتماعی	۰/۵۴۳	ایجاد صنایع تبدیل، بسته‌بندی و فراوری محصولات کشاورزی	۳۹
اجتماعی	۰/۴۹۹	بازاریابی و فروش محصولات اعضا	۴۰
اجتماعی	۰/۵۶۷	تهیه و توزیع نهاده‌ها(کود، بذر و سم) برای اعضا	۴۱
اجتماعی	۰/۶۲۹	بهره‌برداری بهتر از آب و خاک(احداث شبکه‌های آبیاری و احیای اراضی موات)	۴۲
اجتماعی	۰/۶۱۷	مشارکت در امور زیربنایی(ایجاد کانال، احداث استخر، تسطیح اراضی)	۴۳
اجتماعی	۰/۶۲۷	مشارکت در برنامه کلی کشت	۴۴
اجتماعی	۰/۵۸۹	مشارکت در آبیاری و تقسیم آب	۴۵
اجتماعی	۰/۶۲۱	مشارکت در مبارزه با آفات و بیماری‌ها	۴۶
اجتماعی	۰/۵۶۵	مشارکت در برداشت محصول	۴۷
اجتماعی	۰/۶۷۷	مشارکت در بازاریابی، بازاریارسانی و فروش محصول	۴۸
اجتماعی	۰/۵۷۹	مشارکت در کمک به حل مشکلات زندگی(به جز مسائل تعاونی و کشاورزی)	۴۹
اجتماعی	۰/۴۴۸	سطح ارتباط با کانال ارتباطی (مروج)	۵۰
اجتماعی	۰/۵۷۰	سطح ارتباط با کانال ارتباطی(رئیس مرکز خدمات و کارشناسان کشاورزی)	۵۱
اجتماعی	۰/۵۰۴	سطح ارتباط با کانال ارتباطی(مدیران جهاد و تعاونی)	۵۲
اجتماعی	۰/۴۵۳	سطح ارتباط با کانال ارتباطی (مدیر عامل مزرعه، کارکنان اداری تعاونی، هیئت مدیره تعاونی)	۵۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج و بحث

براساس یافته‌ها، شغل اصلی ۸۱/۷ درصد بهره‌برداران کشاورزی است. ۳۵/۵ درصد بهره‌برداران سطح تحصیلات ابتدایی دارند و میانگین سنی بهره‌برداران ۴۵/۵ (انحراف معیار = ۱/۰۹) می‌باشد. ۵۶/۲ درصد آنان دارای سابقه کاری ۲۵/۵ سال و ۶۱/۲ درصد دارای سطح مالکیت ۳/۵ هکتار و کمتر می‌باشند.

مقایسه تعاونی‌های تولید روستایی با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی

جهت مقایسه تعاونی‌های تولید روستایی با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی، باید در ابتدا وجود یا عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین نظام‌ها مشخص گردد. به همین دلیل، از آزمون ANOVA بهره گرفته شد (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج مقایسه بین نظام‌ها از نظر میانگین وزنی شاخص‌های پژوهش براساس آزمون F

شاخص‌ها	درجه آزادی	F	Sig
اجتماعی	۴۸۱	۴۹/۶۳۷	۰/۰۰۰
فنی	۱۵۳	۱۱/۹۴۹	۰/۰۰۰
اقتصادی	۳۰۷	۱۴/۵۴۰	۰/۰۰۰
مدیریتی	۴۲۳	۳۰/۱۹۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴ وجود تفاوت معنی‌دار در سطح ۱ درصد خطا بین نظام‌ها را از نظر تمام شاخص‌های مورد ارزیابی نشان می‌دهد.

مقایسه نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص اجتماعی

به منظور مقایسه میانگین‌ها و رتبه‌بندی نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص اجتماعی کل از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۵).

جدول ۵. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص اجتماعی براساس آزمون دانکن

رتبه	طبقه	میانگین	تعداد	نظام‌های تولید
۱	A	۲/۸۷۱۹	۱۱۵	تعاونی تولید
۱	A	۲/۸۷۰۵	۶۱	تجاری
۲	B	۲/۴۶۲۰	۹۵	دهقانی برخوردار
۲	B	۲/۴۱۲۶	۹۰	تعاونی مشاع
۳	C	۲/۱۶۳۳	۱۲۵	نظام دهقانی خرد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد.

جدول فوق نشان می‌دهد که به لحاظ شاخص اجتماعی، نظام‌های تعاونی تولید و تجاری با قرار گرفتن در طبقه A برتر از دیگر نظام‌های تولید کشاورزی‌اند. برای مقایسه میانگین وزنی مولفه‌های مختلف شاخص اجتماعی از آزمون F استفاده گردید (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج مقایسه بین نظام‌ها از نظر میانگین وزنی مؤلفه‌های مختلف شاخص اجتماعی براساس

آزمون F

مؤلفه‌ها	درجه آزادی	F	Sig
میزان مشارکت	۴۳۶	۲۸/۴۹۸	۰/۰۰۰
کانال‌های ارتباطی	۴۱۷	۱۱/۵۵۱	۰/۰۰۰
رضایت شغلی	۴۸۱	۵۶/۱۳۷	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه نظام‌ها نشان می‌دهد که بین همه نظام‌های تولید از نظر میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص اجتماعی اختلاف معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا وجود دارد. جهت رتبه‌بندی نظام‌ها از نظر مؤلفه‌های مختلف شاخص اجتماعی و تشخیص تفاوت بین نظام‌ها از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۷).

جدول ۷. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص اجتماعی براساس آزمون دانکن

عامل کانال‌های ارتباطی		عامل میزان مشارکت		عامل میزان رضایت شغلی		نظام‌های تولید
طبقه	میانگین	طبقه	میانگین	طبقه	میانگین	
A-B	۳/۰۳۷۹	B	۲/۷۳۷۰	A	۲/۸۸۸۸	تعاونی تولید
A	۳/۱۵۵۳	A	۳/۱۳۷۷	A	۲/۷۷۴۰	تجاری
B-C	۲/۸۲۱۳	C-D	۲/۴۷۰۹	B	۲/۳۶۷۷	تعاونی مشاع
A-B	۲/۹۲۱۴	B-C	۲/۵۶۰۲	B	۲/۳۵۶۴	دهقانی برخوردار
D	۲/۵۹۵۶	D	۲/۳۵۵۹	C	۲/۰۲۲۳	دهقانی خرد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. بر اساس نتایج جدول ۷، نظام تعاونی تولید از نظر عامل رضایت شغلی به همراه نظام تجاری در مکان نخست قرار گرفته‌اند. از نظر دو عامل میزان مشارکت و سطح ارتباط اعضا با کانال‌های ارتباطی پس از نظام تجاری در رتبه دوم قرار دارد.

مقایسه نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص فنی

به منظور بررسی تفاوت نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص فنی کل (شامل مؤلفه‌های بهره‌مندی از خدمات زیربنایی، سطح دانش فنی و عملکرد در واحد سطح) و رتبه‌بندی آن‌ها از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۸).

جدول ۸. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص فنی براساس آزمون دانکن

رتبه	طبقه	میانگین	تعداد	نظام‌های تولید
۱	A	۴/۵۷۳۱	۴۴	تعاونی تولید
۱	A	۴/۵۵۷۳	۲۸	تجاری
۱	A	۴/۳۰۹۵	۳۰	دهقانی برخوردار
۱	A	۴/۰۹۶۷	۱۸	تعاونی مشاع
۲	B	۳/۴۳۱۵	۳۸	نظام دهقانی خرد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد.

بر اساس جدول ۸، نظام‌های تولید تعاونی مشاع، تعاونی تولید، تجاری و دهقانی برخوردار از لحاظ شاخص فنی نسبت به هم برتری و اختلاف معنی‌دار نداشته اما از نظام دهقانی ارجح‌ترند. با این حال، آزمون F برای مقایسه میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص فنی نتایج دیگری به دست می‌دهد (جدول ۹).

جدول ۹. نتایج مقایسه بین نظام‌ها از نظر میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص فنی براساس آزمون F

مؤلفه‌ها	درجه آزادی	F	Sig
خدمات زیربنایی	۳۲۲	۶/۴۵۸	۰/۰۰۰
سطح دانش فنی	۴۸۰	۱۷/۱۱۶	۰/۰۰۰
عملکرد در واحد سطح	۳۱۶	۲۷/۸۲۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه نظام‌ها از نظر میانگین وزنی عوامل شاخص فنی نشان می‌دهد که بین همه نظام‌های تولید اختلاف معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا مشاهده می‌شود. جهت مقایسه میانگین‌ها و رتبه‌بندی نظام‌ها از نظر مؤلفه‌های مختلف شاخص فنی آزمون دانکن به کار گرفته شد (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص فنی براساس آزمون دانکن

نظام‌های تولید	عامل خدمات زیربنایی	عامل سطح دانش فنی	عامل عملکرد در واحد سطح				
میانگین	طبقه	میانگین	طبقه				
تجاری	۴/۵۶۶۰	A	۲/۸۸۳۷	A	۲/۵۹۷۰	میانگین	طبقه
تعاونی تولید	۵/۰۰۴۹	A	۲/۶۱۸۲	B	۱/۹۱۷۸	میانگین	طبقه
دهقانی برخوردار	۴/۸۳۰۹	A	۲/۵۷۴۸	B	۱/۸۵۲۲	میانگین	طبقه
تعاونی مشاع	۴/۶۳۴۱	A	۲/۵۳۲۳	B-C	۱/۵۴۸۷	میانگین	طبقه
دهقانی خرد	۳/۸۶۲۲	B	۲/۴۰۷۵	C	۱/۵۲۴۹	میانگین	طبقه

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که نظام تعاونی تولید از نظر عامل زیربنایی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده است و در دو عامل سطح دانش فنی و عملکرد در واحد سطح پس از نظام تجاری در رتبه دوم قرار دارد.

مقایسه نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص اقتصادی

به منظور مقایسه و رتبه‌بندی نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص اقتصادی کل (شامل مؤلفه‌های پس‌انداز، بازاریابی و بیمه و همچنین برخورداری از نهاده‌ها، خدمات فنی و وام) از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص اقتصادی براساس آزمون دانکن

رتبه	طبقه	میانگین	تعداد	نظام‌های تولید
۱	A	۳/۱۱۲۹	۴۹	تجاری
۲	A-B	۲/۹۹۲۴	۷۴	تعاونی تولید
۳	B-C	۲/۸۷۸۱	۶۵	دهقانی برخوردار
۴	C-D	۲/۷۳۹۴	۵۵	تعاونی مشاع
۴	D	۲/۵۵۵۴	۶۹	نظام دهقانی خرد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. نتایج جدول فوق حاکی از این است که در مقایسه دو به دو، بین نظام‌های دهقانی-مشاع، مشاع-دهقانی برخوردار، دهقانی برخوردار-تعاونی تولید و تعاونی تولید-تجاری از نظر شاخص اقتصادی تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. با توجه به اینکه نظام تعاونی تولید در بین طبقات A و B قرار گرفته است، پس از نظام تجاری، در رتبه دوم قرار می‌گیرد. برای مقایسه میانگین وزنی مؤلفه‌های مختلف شاخص اقتصادی از آزمون F بهره گرفته شد (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. نتایج مقایسه بین نظام‌ها از نظر میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص اقتصادی براساس آزمون F

مؤلفه‌ها	درجه آزادی	F	Sig
پس‌انداز	۴۷۱	۴۲/۰۶۴	۰/۰۰۰
بازاریابی و بیمه	۳۷۴	۸/۷۶۱	۰/۰۰۰
نهادها، خدمات فنی و وام	۳۸۳	۱۵/۵۸۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه نظام‌ها از نظر میانگین وزنی عوامل اقتصادی نشان می‌دهد که بین همه نظام‌های تولید اختلاف معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا مشاهده می‌شود. جهت مقایسه و رتبه‌بندی نظام‌ها از نظر مؤلفه‌های مختلف شاخص اقتصادی از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص اقتصادی براساس آزمون دانکن

نظام‌های تولید	عامل پس‌انداز		عامل بازاریابی و بیمه		عامل نهادها، خدمات فنی و وام	
	میانگین	طبقه	میانگین	طبقه	میانگین	طبقه
تجاری	۱/۴۰۲۱	A	۳/۰۳۲۶	A	۳/۱۶۴۸	A
تعاونی تولید	۰/۹۱۴۱	B	۲/۹۳۵۲	A-B	۳/۱۱۷۳	A
تعاونی مشاع	۰/۷۹۱۴	B-C	۲/۷۵۲۵	B-C	۲/۷۶۴۲	B
دهقانی برخوردار	۰/۷۵۷۳	C	۲/۸۳۴۷	B	۳/۰۰۸۰	A
دهقانی خرد	۰/۶۶۱۱	C	۲/۵۰۳۷	C	۲/۶۵۲۶	B

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. نتایج جدول بالا مبین این است که نظام تعاونی تولید از نظر مؤلفه‌های مختلف شاخص اقتصادی رتبه بالایی را به خود اختصاص داده که در مؤلفه برخورداری از نهادها، خدمات فنی و وام به همراه نظام تجاری در رتبه اول و در دو مؤلفه دیگر یعنی پس‌انداز و بازاریابی در رتبه دوم قرار دارد.

مقایسه نظام‌های بهره‌برداری از نظر شاخص مدیریتی

جهت مقایسه و رتبه‌بندی نظام‌های بهره‌برداری تولید کشاورزی از نظر شاخص مدیریتی (شامل مؤلفه‌های برنامه‌ریزی، سازماندهی، انگیزش و رهبری، و نظارت و ارزشیابی) از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. نتایج مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص مدیریتی براساس آزمون دانکن

رتبه	طبقه	میانگین	تعداد	نظام‌های تولید
۱	A	۳/۲۲۳۵	۵۹	تجاری
۲	B	۲/۵۴۳۶	۸۵	تعاونی تولید
۲	B	۲/۵۳۹۶	۱۱۰	دهقانی خرد
۲	B	۲/۳۶۷۹	۷۳	تعاونی مشاع
۲	B	۲/۳۳۷۰	۱۰۱	دهقانی برخوردار

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. از نتایج جدول فوق چنین استنباط می‌شود که از نظر شاخص مدیریتی بین نظام‌های بهره‌برداری تعاونی تولید، تعاونی مشاع، دهقانی برخوردار و دهقانی خرد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و به طور مشترک در رتبه دوم قرار می‌گیرند و نظام تجاری با کسب میانگین بالاتر در رتبه اول قرار می‌گیرد. آزمون F برای مقایسه میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص مدیریتی نتایج نسبتاً متفاوتی را ارائه می‌دهد (جدول ۱۵).

جدول ۱۵. نتایج مقایسه بین نظام‌ها از نظر میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص مدیریتی براساس آزمون F

مؤلفه‌ها	درجه آزادی	F	Sig
برنامه‌ریزی	۴۵۳	۱۸/۲۲۵	۰/۰۰۰
سازماندهی	۴۴۸	۲۰/۸۴۵	۰/۰۰۰
نظارت و ارزشیابی	۴۴۱	۱۳/۶۴۳	۰/۰۰۰
انگیزش و رهبری	۴۵۱	۱۵/۳۷۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول ۱۵ نشان می‌دهد که از نظر میانگین وزنی مؤلفه‌های شاخص مدیریتی، اختلاف معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا بین نظام‌ها وجود دارد. جهت بررسی اختلاف‌ها در هریک از مؤلفه‌های شاخص مدیریتی از آزمون دانکن استفاده شد (جدول ۱۶).

جدول ۱۶. مقایسه میانگین وزنی متغیر شاخص مدیریتی براساس آزمون دانکن

نظام‌های تولید	عامل برنامه‌ریزی	عامل نظارت و ارزشیابی	عامل سازماندهی	عامل انگیزش
میانگین	طبقه	میانگین	طبقه	میانگین
تجاری	۲/۴۷۰۰	A	۲/۶۴۳۱	A
تعاونی تولید	۲/۰۴۵۳	B	۲/۰۳۶۴	B
دهقانی برخوردار	۱/۹۳۴۹	B-C	۲/۰۱۸۰	B
دهقانی خرد	۱/۸۲۱۶	C	۱/۹۱۲۴	B
تعاونی مشاع	۱/۷۹۲۷	C	۱/۹۰۸۲	B

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تذکر: حروف مشابه در هر ستون فاقد اختلاف آماری معنی‌دار براساس آزمون دانکن در سطح خطای ۵ درصد می‌باشد. بر مبنای نتایج جدول ۱۶، نظام تعاونی تولید از نظر شاخص‌های مدیریتی برنامه‌ریزی، سازماندهی، نظارت و ارزشیابی، و انگیزش و رهبری در رتبه دوم قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف تحقیق حاضر ارزیابی تطبیقی موفقیت تعاونی‌های تولید روستایی در مقایسه با دیگر نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که در مجموع شاخص‌های مورد ارزیابی، نظام بهره‌برداری تعاونی تولید در رتبه اول و یا دوم قرار می‌گیرد. این نتایج با یافته‌های تحقیقات پیشین (هانستاد و ماجومدر، ۲۰۰۲؛ وزارت کشاورزی، ۱۳۷۷؛ عبدالحی، ۱۳۷۷)، که نظام تولید تعاونی در کشاورزی را از جمله برجسته‌ترین نظام‌های بهره‌برداری معرفی کرده‌اند، هم‌خوانی دارد. این امر می‌تواند به دلیل افزایش سطح آگاهی فنی و تخصصی، افزایش دسترسی به نهاده‌ها، تسهیل ارتباط روستاییان با مراکز دولتی و توسعه مکانیزاسیون باشد (سعدی، ۱۳۸۶). برخی

مطالعات نشان می‌دهند که تعاونی‌های تولید در مقایسه با شرکت‌های سهامی زراعی از توفیق نسبی برخوردار بودند (کلاتری، ۱۳۸۹). همچنین واحدهای تعاونی تولید در ایجاد درآمد بیشتر برای کشاورز، همکاری افراد روستایی در سطح جامعه، افزایش برابری و رفاه شغلی در مقایسه با دیگر تشکلهای تولیدی موفقیت بیشتری داشته‌اند (آزادی و کرمی، ۱۳۸۰).

میزان پایداری نظام بهره‌برداری تعاونی از لحاظ اقتصادی و اجتماعی از نظام بهره‌برداری خانوادگی بهتر بوده است (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین نظام تعاونی تولید بیشترین ارتباط و تعامل را با شاخص‌های توسعه روستایی دارد.

نتایج نشان داد که به لحاظ شاخص اجتماعی، نظام‌های تعاونی تولید و تجاری با قرار گرفتن در رتبه اول برتر از دیگر نظام‌های تولید کشاورزی می‌باشند. بر اساس نتایج، نظام تعاونی تولید از نظر عامل رضایت شغلی به همراه نظام تجاری در رتبه نخست قرار گرفته و در دو عامل میزان مشارکت و سطح ارتباط اعضا با کانال‌های ارتباطی پس از نظام تجاری در رتبه دوم قرار دارد. تحقیقات گذشته نیز مؤید این امر است که تسهیل ارتباط روستاییان با مراکز دولتی از مهم‌ترین نتایج مثبت تعاونی‌های تولید کشاورزی بوده است (سعدی، ۱۳۸۶). همچنین بر اساس مطالعات گذشته، تعاونی‌های تولید در افزایش مشارکت و خودآگاهی اجتماعی نقش مؤثری داشته‌اند (باصری و همکاران، ۱۳۸۹). رویس (۲۰۰۴) دلیل افزایش مشارکت روستاییان در تعاونی‌های تولید را افزایش تولید و درآمد اعضا دانسته است.

نظام‌های تعاونی تولید، تعاونی مشاع، تجاری و دهقانی برخوردار از لحاظ شاخص فنی کل نسبت به هم برتری و اختلاف معنی‌دار نداشته‌اند اما نظام تعاونی تولید از نظر عامل زیربنایی بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده است. نظام تعاونی تولید در دو عامل سطح دانش فنی و عملکرد در واحد سطح پس از نظام تجاری در رتبه دوم قرار دارد. تحقیقات پیشین نیز نشان از افزایش تولید در تعاونی‌های تولید داشته‌اند (رویس، ۲۰۰۴).

نتایج نشان داد که از نظر شاخص اقتصادی، نظام تعاونی تولید پس از نظام تجاری، در رتبه دوم قرار می‌گیرد. نظام تعاونی تولید از نظر مؤلفه‌های مختلف شاخص اقتصادی رتبه بالایی را

به خود اختصاص داده که در مؤلفه برخورداری از نهاده‌ها، خدمات فنی و وام به همراه نظام تجاری در رتبه اول و در دو مؤلفه دیگر یعنی پس‌انداز و بازاریابی در رتبه دوم قرار دارد. در تحقیقات پیشین نیز بر نقش تعاونی‌های تولید کشاورزی در افزایش درآمد روستاییان و بهره‌مندی اعضا (ژیائو، ۲۰۰۰؛ نصیری، ۱۳۸۹)، افزایش دسترسی به نهاده‌ها و توسعه مکانیزاسیون (سعدی، ۱۳۸۶) و همچنین تأمین نیازهای فنی و مالی روستاییان (کاشی، ۱۳۷۸) تأکید شده است که با تحقیق حاضر هم‌خوانی دارند.

از نظر شاخص مدیریتی بین نظام‌های بهره‌برداری تعاونی تولید، تعاونی مشاع، دهقانی برخوردار و دهقانی خرد تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود و به طور مشترک در رتبه دوم جای می‌گیرند و نظام تجاری با کسب میانگین بالاتر، در رتبه اول قرار می‌گیرد. نظام تعاونی تولید به طور کلی از نظر مؤلفه‌های شاخص مدیریتی شامل برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی، سازماندهی، و انگیزش و رهبری در رتبه دوم قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد که شرکت‌های تعاونی تولید، به عنوان نوعی از مالکیت اراضی، به منزله یک پایه برای ساختمان توسعه کشاورزی به شمار می‌روند. با توجه به مشکلاتی که در روستاها و در بخش کشاورزی کشورمان وجود دارد، این نظام می‌تواند بسیاری از مشکلات کشاورزان را حل کند و در توسعه مناطق روستایی مؤثر واقع شود. بنابراین، تعاونی تولید روستایی ضمن حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک کشور، سبب آشنا ساختن اعضا با روش‌های نوین کشاورزی، استفاده صحیح از ماشین‌آلات کشاورزی متناسب با شرایط محلی، فراهم نمودن امکانات و تسهیلات بیشتر برای توسعه و بهبود صنایع دستی و فعالیت‌های غیرکشاورزی می‌گردد. ارتباط و همبستگی شرکت‌های تعاونی تولید با سایر اقدامات اساسی تولید به حدی مهم تلقی می‌شود که انجام امور زیربنایی شامل تجهیز و نوسازی اراضی، یکپارچه‌سازی و تجمیع اراضی، توسعه شبکه‌های آبیاری، گسترش آبیاری‌های مدرن و تحت فشار، توسعه مکانیزاسیون و ... بدون وجود و ایفای نقش این شرکت‌ها تقریباً ناممکن است. به دلیل این نقش اساسی و اهمیت شرکت‌های

تعاونی تولید در تولید محصولات اساسی، پیشنهاد می‌شود حمایت‌های مناسبی به شرح زیر از این شرکت‌ها به عمل آید:

- با توجه به اینکه تعاونی تولید از نظر عامل میزان مشارکت و سطح ارتباط اعضا با کانال-های ارتباطی پس از نظام تجاری در رتبه دوم قرار دارد، لازم است مدیران تعاونی‌های تولید هرچه بیشتر روحیه تعاون و همکاری را بین اعضای شرکت‌های تعاونی ترویج دهند.
- نظر به اینکه تعاونی تولید در عامل سطح دانش فنی در رتبه دوم قرار دارد، ترویج و آموزش کشاورزی می‌تواند ارائه‌دهنده انواع آموزش‌ها با هدف تقویت سطح دانش فنی اعضا در این تعاونی‌ها باشد.
- عامل بازاریابی تعاونی‌های تولید رتبه دوم را در شاخص‌های اقتصادی دارد، لذا ارائه آموزش جهت بهبود مهارت‌های بازاریابی برای مدیران تعاونی‌ها پیشنهاد می‌شود.
- بهتر است مدیران مسلط‌تر و باتجربه‌تر در حوزه فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید به کار گرفته شوند تا مؤلفه‌های برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی، سازماندهی و انگیزش در این شرکت‌ها به سطح مطلوبی برسند و تعاونی‌های تولید در رسیدن به اهداف خود بهتر عمل نمایند.

منابع

۱. آزادی، ح. و کرمی، ع. (۱۳۸۰). مقایسه موفقیت واحدهای مکانیزه تعاونی‌های روستایی، تعاونی تولید و شرکت‌های مکانیزه استان فارس. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۵(۳)، ۳۳-۴۷.
۲. آقاجانی ورزیه، م. (۱۳۸۰). ارزیابی عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۳. ازکیا، م. (۱۳۸۲). تحلیل مبانی و نظریه‌های نظام بهره‌برداری و روند تحول آن‌ها با تأکید بر جامعه روستایی. مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزان در ایران، چالش‌ها و چاره‌ها، وزارت جهاد کشاورزی، ۹ و ۱۰ دی ماه.

۴. ازکیا، م. و فیروز آبادی، س.ا. (۱۳۸۷). بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی. *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۳، ۷۶-۹۷.
۵. باصری، ب.، صادقی، ح.، و خاکسار، غ. ر. (۱۳۸۹). بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید در کشاورزی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، ۲۰ (۳) ۱-۲۴.
۶. بذرافشان، ج. و شاهین، ح. (۱۳۸۹). *آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران*. چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
۷. روحانی، س. (۱۳۷۸). بررسی عملکرد شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان همدان. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۷ (۵)، ۱۸۷-۲۰۹.
۸. سعدی، ح.ا. (۱۳۸۶). ارزیابی تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان همدان (شهرستان کبودرآهنگ). *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۲.
۹. صدیقی، ح. و درویشی نیا، ع.ا. (۱۳۸۱). بررسی میزان موفقیت شرکتهای تعاونی تولید روستایی استان مازندران. *علوم کشاورزی ایران*، ۳۳ (۲)، ۳۱۳-۳۲۱.
۱۰. صفری شالی، ر. و حبیب‌پور، ک. (۱۳۹۰). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: انتشارات متفکران.
۱۱. طاهرخانی، م. (۱۳۸۳). نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی: مطالعه موردی شهرستان مشکین‌شهر. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ۳۰ (۴۹)، ۱۱۵-۱۲۶.
۱۲. عبدالمهی، م. (۱۳۷۷). *نظام‌های بهره‌برداری*. تهران: معاونت امور نظام بهره‌برداری. وزارت کشاورزی.
۱۳. کاشی، م. (۱۳۷۸). نقش شرکت‌های تعاونی در فعالیت‌های زراعی. *مجله جهاد*، ۱۰ (۱۶۸)، ۱۷-۲۴.
۱۴. کرمی، ع.ا. و رضایی مقدم، ک. (۱۳۸۴). آثار تعاونی‌های تولید کشاورزی در فرایند تولید، *اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه نامه بهره‌وری و کارایی)*. سال سیزدهم، ۱-۳۰.

۱۵. کلاتری، خ. (۱۳۸۹). جامعه شناسی روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۶. لهسایی زاده، ع. (۱۳۷۲ الف). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی پس از انقلاب در ایران. مجموعه مقالات سمینار ملی بررسی سیاست‌ها و روش‌های بهره‌وری بهینه از اراضی.
۱۷. لهسایی زاده، ع. (۱۳۷۲ ب). جامعه شناسی کشاورزی. تهران: انتشارات موسسه اطلاعات.
۱۸. محمدی، ه. و بریم نژاد، و. (۱۳۸۴). مطالعه کارایی فنی، اقتصادی، تخصیصی و مقیاس در مورد در تعاونی‌های تولید با استفاده از دو روش مرز تصادفی و تحلیل فراگیر داده‌ها (مطالعه موردی دشت قمرود/ استان قم. مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، شهریور ۱۳۸۴، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان.
۱۹. مطیعی لنگرودی، س.ح.، رضوانی، م.ر.، فرجی سبک بار، ح. و خواجه شاهکوهی، ع.ر. (۱۳۸۹). تحلیل پایداری نظام‌های بهره‌برداری زراعی خانوادگی و تعاونی‌های تولید روستایی (مطالعه موردی: شهرستان آق قلا). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲-۴۱ (۳)، ۳۲۳-۳۳۳.
۲۰. معاونت تحقیقات، آموزش، و ترویج وزارت تعاون. (۱۳۷۹). سهم اقتصادی شرکت‌های تعاونی در تولید ناخالص ملی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۰۳.
۲۱. نجفی، ب. (۱۳۸۴). بررسی امکانات توسعه خدمات بازاریابی شرکت‌های تعاونی روستایی در ایران. مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، شهریور ۱۳۸۴، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان.
۲۲. نصیری، ا. (۱۳۸۹). آثار تشکیل تعاونی‌های تولید کشاورزی بر بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا: مطالعه موردی روستاهای شهرستان زنجان. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۳ (۳)، ۱۲۷-۱۴۵.
۲۳. وزارت کشاورزی (۱۳۷۷). نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی. تهران: وزارت کشاورزی.

24. Arnott, R., & Stiglitz, J. E. (1988). The basic analytics of Moral Hazard. *Scandinavian Journal of Economic*, 90 (3), 383-413.
25. Bhuyan, S. (2007). The people factor in cooperatives: An analysis of members. *Canadian Journal of Agricultural Economics*, 55(3), 275-298.
26. Hnestad, T., & Majumder, P.(2002). Small is not necessarily bad. Retrieved from <http://search.yahoo.com/search?p%22Small+ is+not+necessarily+ bad %22&fr=yfp-t-501&togglel&copmss&ei=UTF-8>
27. Mondany, K. (2006). *Cooperative and Agricultural Development*. London: Routledge.
28. Royce, F.(2004). Agricultural production cooperative in Cuba toward sustainability. Revised version of a paper presented at the whither goes Cuba symposium. Iowa University.
29. Sadighi, H., & Darvishinia, A. A.(2005). Farmers' professional satisfaction with the rural production cooperative approach. *J. Agric. Sci. Technol*, 7: 1-8.
30. World Bank. (1995). Cooperatives face the future. *Rural development*, 6:14.
31. Xiao, S. (2000). *Recent development of transitional rural cooperative in china*. Retrived from <http://ftp.fao.org/sd/sda/sdaa/IR99/z3720>.

Comparative Assessment the Success of Rural Production Cooperatives with other Agricultural Utilization Systems

(Case study: Townships of Kashan, and Aran Bidgol)

A. M. Amini¹, N. Mazini², S. A. Ghadimi^{3}*

Received: 29/11/2014 Accepted: 29/04/2015

Abstract

This quantitative research was carried out with the aim of comparatively assess the success of rural production cooperatives in comparison with other agricultural utilization systems. Statistical population of this research were agricultural beneficiaries in Kashan, Aran and Bidgol Townships (N=2700) that 486 Samples were selected through stratified random sampling from three geographical region and five kind of system operation. Data were collected using a questionnaire instrument. Validity of the questionnaire was obtained through a panel of experts and reliability was obtained through Cronbach's alpha. Data were analyzed by using SPSS16 and applying descriptive statistics, ANOVA and Duncan's test. Results revealed that the rural production cooperatives in all evaluated parameters (social, technical, economic and management) has a significant difference with other agricultural operation systems. Rural production cooperatives in comparison with other agricultural operation systems of the social and technical Index in the first place but in economy and management Index is in second place after the trading system.

Keywords:

Agricultural Operation Systems, Production Cooperatives, Comparative Assessment

1. Associate Professor, Department of Rural Development, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2. Former Master Student, Department of Rural Development, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3. PhD. Student, Department of Agricultural Development, Razi University, Kermanshah, Iran

* Corresponding Author

E- mail: alighadimi2011@gmail.com